

عاصم منیر حامل چه پیامی بود؟

بازیگران کانال دیپلماسی در تهران

چهار میانجی درگیر مهار جنگی هستند که هنوز روی میز است



از سفر سرگئی لاوروف تا ورود عاصم منیر، همزمانی تحرکات پاکستان، عمان، قطر و روسیه، در کنار حمایت غیرمستقیم چین، نشانه‌ای از تلاش فشرده برای باز کردن گره مذاکرات ایران و آمریکا در آستانه‌دو انتخابات سرنوشت‌ساز کنست و کنگره است؛ اما آیا دیپلماسی می‌تواند پیش از شعله‌ور شدن دوباره جنگ، دستاوردی ملموس ایجاد کند؟

تهران در فاصله‌ای کوتاه میزبان دو چهره مهم دیپلماسی منطقه‌ای شد؛ ابتدا سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، در ۱۹ اکتبر و سپس عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۶ به فاصله کمتر از یک روز وارد تهران شدند. این توالی زمانی به‌خودی‌خود اثبات‌کننده وجود یک توافق هماهنگ میان مسکو و اسلام‌آباد نیست، اما در شرایطی که مذاکرات تهران و واشنگتن با بی‌اعتمادی عمیق و اختلاف بر سر تنگه هرمز، تحریرها و پرونده هسته‌ای رویه‌روست، اهمیت سیاسی ویژه‌ای دارد. پیام مشترک این رفت‌وآمدها روشن است: کانال دیپلماسی هنوز بسته نشده و بازیگران مختلفی می‌کوشند پیش از آنکه تنش‌ها به دور تازه‌ای از رویارویی نظامی تبدیل شود، راهی برای توقف چرخه تشدید بحران پیدا کنند.

با این حال، میان فعال بودن کانال‌های ارتباطی و نزدیک‌بودن توافق، فاصله‌ای جدی وجود دارد.

چهار مسیر و یک بحران مشترک

پاکستان، عمان، قطر و روسیه اکنون هر کدام به شکلی در روند تماس‌ها و تلاش برای کاهش تنش میان ایران و آمریکا نقش دارند؛ هرچند سطح مشارکت، ابزار نفوذ و اولویت‌های آنها یکسان نیست. سایت قطری العربی‌الجدید و آی ۲۴ اسرائیل در گزارشی هسسو نوشتند که میانجی‌های قطری و پاکستانی در حال پیشبرد یک طرح میان ایران و آمریکا هستند.

در همین راستا پاکستان در ماه‌های گذشته به یکی از کانال‌های اصلی ارتباطی میان تهران و واشنگتن

میدل‌ایست آی از دومین سفر یک مقام ابوظبی به ایران خبر داد

رمزگشایی از پرواز اماراتی به تهران



دنیای اقتصاد: بر اساس داده‌های پروازی در چند روز گذشته یک هواپیمای اماراتی دو بار در تهران فرود آمده است؛ این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که نگرانی‌ها درباره از سرگیری درگیری تازه میان آمریکا و اسرائیل علیه ایران افزایش یافته است. اگرچه تا زمان تنظیم این گزارش، خبر رسمی‌ای درباره علت این پروازها منتشر نشده، سفرهای این هواپیما گمانه‌زنی‌هایی را درباره اهداف آنها برانگیخت. بر اساس گزارش میدل‌ایست‌آی، یک فروند بوئینگ ۷۳۷ متعلق به شرکت «رویال جت»، شرکت چارتر خصوصی تحت مالکیت دولت امارات،

که می‌تواند برای انتقال دیدگاه‌ها و شکل دادن به ابتکارهای دیپلماتیک مفید باشد. این چهار مسیر لزوماً یک‌سازوکار واحد و هماهنگ تشکیل نمی‌دهند. ارزش آنها در این مرحله، بیشتر در فراهم کردن چند کانال موازی برای انتقال پیام، آزمودن پیشنهاده‌ها و جلوگیری از قطع کامل ارتباط است. در کنار این چهار بازیگر، چین نیز از مسیر دیگری در معادله حضور دارد. پکن تا کنون بیشتر بر توقف درگیری، حل اختلاف‌ها از راه‌مذاکره و ایجاد ترتیبات امنیتی منطقه‌ای تأکید کرده و خواستار بازگشت ایران و آمریکا به تفاهم اسلام‌آباد شده است.

اهمیت تقویم دو انتخابات

زمان‌بندی این تلاش‌ها را نمی‌توان جدا از تحولات سیاسی پیش رو تحلیل کرد. انتخابات کنست اسرائیل برای ۲۷ اکتبر و انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا برای ۳ نوامبر ۲۰۲۶ برنامه‌ریزی شده‌اند. این دو رویداد، به‌ویژه در شرایط جنگی، می‌توانند بر محاسبات سیاسی و هزینه تصمیم‌های امنیتی اثر بگذارند. در آمریکا، افزایش قیمت انرژی، اختلال در کشتیرانی و هزینه‌های جنگ می‌تواند به مساله‌ای سیاسی تبدیل شود. در اسرائیل نیز امنیت ملی و ارزیابی عملکرد دولت در مدیریت بحران، بخشی از فضای انتخاباتی است. از این منظر، تلاش برای مهار تنش پیش از انتخابات می‌تواند به نفع بازیگران مختلف جذاب باشد؛ هرچند نمی‌توان نتیجه گرفت که انتخابات به‌تنهایی محرک اصلی تحرکات اخیر است. از سوی دیگر، تقویم سیاسی ممکن است اثر معکوس هم داشته باشد. دولت‌ها گاهی در آستانه انتخابات برای جلوگیری از نمایش ضعف، تمایل کمتری به امتیازدهی نشان می‌دهند. گزارش رویترز در ۲۰ اکتبر نیز به نقل از مقام‌های ایرانی، این ارزیابی را مطرح کرده که تهران می‌خواهد از فشار سیاسی و اقتصادی ناشی از بحران برای تأثیرگذاری بر محاسبات واشنگتن استفاده کند.

توافق موقت: دشوار، اما هم‌چنان مهم

مساله اصلی این است که میانجی‌ها دقیقاً چه چیزی را می‌توانند روی میز بگذارند؛ تهران و واشنگتن درباره ترتیب اقدامات اختلاف دارند: ایران بر کاهش فشار، رفع محدودیت‌های دریایی و تضمین‌های عملی تأکید می‌کند؛ در مقابل، آمریکا خواهان رسیدگی به نگرانی‌های هسته‌ای و ترتیبات امنیتی است. بی‌اعتمادی ناشی از تجربه مذاکرات پیشین و جنگ، هر توافقی را دشوارتر کرده است. در چنین فضایی، توافق جامع‌شاید در کوتاه‌مدت دست‌یافتنی نباشد؛ اما توافق موقت نیز بدون یک ابتکار مشخص و انعطاف متقابل دور از دسترس خواهد بود. چنین ابتکاری باید اقدامات دو طرف را مرحله‌بندی کند، سازوکار راستی‌آزمایی داشته باشد و روشن سازد که هر اقدام در برابر چه تعهدی انجام می‌شود. در نهایت، شاید مهم‌ترین دستاورد این رفت‌وآمدها نه امضای فوری توافق، بلکه جلوگیری از تششدن آخرین پنجره‌های دیپلماسی باشد.

تلافی جوانانه ایران به اهداف آمریکایی، بیشترین خسارت را متحمل شد و بندر فجیره امارات که در خارج از تنگه هرمز قرار دارد نیز بارها هدف حملات قرار گرفت. پیش‌تر خبرگزاری رویترز در گزارشی ا‌عا کرده بود که در ماه ژوئن، امارات متحد عربی به آزادسازی دست کم ۱۰ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران در نظام بانکی امارات موافقت کرد.

این خبرگزاری همچنین به نقل از چهار منبع آگاه مدعی شد که ۳ میلیارد دلار از این جوه آزاد شده است و ایران توافق کرده که در مقابل، حملات خود به امارات را متوقف کند هرچند که وزارت امور خارجه امارات هرگونه توافقی در این زمینه را رد کرد. پروازهای این هواپیما گمانه‌زنی‌های گسترده‌ای را درباره احتمال مذاکره امارات با ایران در آستانه دور تازه‌ای از تشدید تنش‌ها برانگیخت. این پروازها در شرایطی انجام شدند که تحرکات دیپلماتیک در منطقه شدت گرفته است. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، روز دوشنبه در جریان سفر به تهران با مقامات ایرانی دیدار کرد و تا مایل مسکو برای یافتن راه‌حلی جهت پایان دادن به تنش‌ها در منطقه خبر داد. ترامپ نیز با اعلام حمایت از نتانیاهو در آستانه انتخابات سراسری اسرائیل بر نگرانی‌ها درباره امارات پس از آغاز جنگ در کنار آمریکا و اسرائیل قرار گرفت و خود نیز هدف حملات تلافی جوانانه ایران بود، تکرار پرواز هواپیمای مرتبط با دولت این کشور به تهران، در کنار گزارش‌های پیشین درباره احتمال توافق بر سر دارایی‌های مسدود شده ایران، توجه‌ها را به احتمال تحرکات پشت‌پرده میان دو کشور جلب کرده است. با این حال، تا زمان انتشار اطلاعات رسمی درباره اهداف این سفرها، مشخص نیست در حملاتی علیه ایران مشارکت داشت، همچنین گزارش‌هایی از تلاش ابوظبی برای مانع‌تراشی در روند میانجی‌گری پاکستان منتشر شد. از سوی دیگر، امارات یکی از کشورهایی بود که در حملات



فرزین زندی

پژوهشگر ژورنالیستیک دانشگاه کانزاس

آتش بس میان ایران و آمریکا که قرار بود پایان دهنده جنگ باشد، دیری نپایید و با گذشت ماه‌ها و تشدید چن‌دباره تنش، وضعیت کماکان به شکل «نه جنگ، نه صلح» در حال ادامه است. اگرچه این روزها، آوای قدم‌های جنگ نزدیک‌تر از هر زمان دیگری به گوش می‌رسد. در وضعیت پس‌اتش‌بس، تنش میان دو کشور از میدان نبرد به شریان‌های مالی، مسیرهای دریایی و بازار انرژی منتقل شده گرچه منطق آن همان منطق جنگ است، اما با ابزارهایی دیگر. برای فهم این بی‌ست‌باید دولا‌یه را کنار هم قرار داد: لایه اول، جنگ اقتصادی در سایه آتش‌بس و لایه دوم، تله سیاسی‌ای که طرف‌را از برداشتن گام نخست برای صلح بازمی‌دارد.

حدود یک هفته پس از تفاهم اسلام‌آباد، «اسکات بسنت»، وزیر خزانه‌داری آمریکا، از عملیات خشم اقتصادی «علیه ایران خبر داد که در عمل، ادامه همان کارزار «فشار حداکثری» بود که دونالد ترامپ از دوره اول ریاست جمهوری‌اش کلید زده بود. او این عملیات را «معادلی مالی یک کارزار بمباران» توصیف کرد که شبکه‌های بانکی سایه، دسترسی به رمزارزها، ناوگان نفتکش‌های پنهن‌ا و حتی پالایشگاه‌های مستقل چینی را هدف می‌گیرد. در چنین کارزاری، «قدرت ا‌جبار» یا مجرای شبکه‌های فراملی مالی اعمال می‌شود. آمریکا سیگنال تهدید به تحریم و مسدودسازی دارایی‌ها را مخابه می‌کند و بانک‌ها، شرکت‌های حمل‌ونقل، بیمه‌گران و بازیگران حساس به ریسک، با محدود کردن همکاری با ایران، اثر عملی این تهدیدها را گسترش می‌دهند.

به این ترتیب، «اثر بازدارنده» پدیدار می‌شود؛ به عبارت دیگر، بازیگران اقتصادی برای پرهیز از مجازات احتمالی، حتی از برخی معاملات مجاز با ایران نیز احتیاط خودداری می‌کنند. در نتیجه، فشار اقتصادی از دامنه رسمی تحریم‌ها نیز فراتر می‌رود و انرژی مالی ایران تشدید می‌شود. پیامد چنین وضعیتی، کاهش ورود ارز، فشار بر ریال، تورم وارداتی و تشدید رکود است. هرچه این چرخه تقویت شود، تبدیل «فشار بیرونی» به «بی‌ثباتی درونی» سرعت و فشدت بیشتری می‌یابد. تجربه سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ نشان می‌دهد شوک‌های ارزی و تورمی ناشی با مسوح اعتراض‌های داخلی، نوعی همزمانی نشان می‌دهند. اگر به این موارد، حملات دوران جنگ به زیرساخت‌های صنعتی، از صنایع فولاد و پتروشیمی تا شبکه ریلی، اضافه شود، آستانه تحمل اجتماعی بیش از پیش تحت‌تاثیر قرار خواهد گرفت و هدف‌نهایی محتمل به‌سادگی قابل‌خواندن است: تبدیل «نارضایتی اقتصادی» به یک «متغیر تعیین‌کننده سیاسی». خارج کردن این اهرم خطرناک از دست آمریکا، احتمالاً در گام اول فقط با پایان دادن جنگ نظامی و بازگرداندن کشور به وضعیت نرمال، میسر است.

تله بازدارندگی

اما چرا بیرون آمدن از این وضعیت، پیچیده است و به‌رغم همه این هزینه‌ها، ماندگاری در این تله ادامه می‌یابد؟ بخشی از پاسخ را می‌توان در سه سازوکار

نخست، هزینه عقب‌نشینی و پاسخگویی. این مساله شاید در مورد شخص ترامپ و ادعاهای رطمطراقش بیشتر ملموس باشد. تصمیم‌گیری که پیش از اقدام، خطوط قرمز تری و تیزی تعیین می‌کند، دست خود را

بیش از پیش در برابر هر نوع امکان انعطافی می‌بندند. اگر در برابر حرکت حریف واکنش نشان ندهند، متهم به ضعف می‌شوند. بنابراین گاهی برای رهایی از «سرنش داخلی» دست به اقدامی می‌زنند که هیچ‌کس واقعاً خواستارش نبوده است. این مورد در طرف ایرانی نیز مانعی قابل‌توجه در مسیر تفاهم است.

دوم، معضل تعهدپذیری. بی‌اعتمادی ساختاری میان تهران و واشنگتن هر آتش‌بسی را شکننده می‌کند. تهران، با یادآوری برجام، آتش‌بس را فرصتی برای بازسازی پدافندی آمریکا و هم‌پیمانانش و ضربه سست‌گیر تر بعدی می‌بیند. در سوی دیگر، واشینگتن نگران است توقف حملات به ایران امکان بازسازی توان موشکی و منطقه‌ای‌اش را بدهد. بدون مرجعی که تعهدات را تضمین کند، هر طرف «زبان زور» را از «وعده کاغذی» مطمئن‌تر می‌داند. شاید به همین دلیل است که آتش‌بس نظامی، بی‌آنکه جنگ اقتصادی متوقف شود، تنها نیمه‌ای از صلح است: ایران آن را «آتش‌بس بدون امتیاز و بازدارندگی معتبر» می‌بیند و آمریکا آن را «نوعی فشار به شیوه دیگر».

سوم، فشارهای متناقض بر ترامپ. در کنار زمینه‌های ساختاری و ملموس پدیدآورنده جنگ، برخی جریان‌های نوحماط‌کار آمریکایی اما این‌سرن را «جنگ تمدنی» یا بازنمایی می‌کنند و هر مصالحه را عقب‌نشینی در برابر نظمی تجدیدنظرطلب، تصویرسازی می‌کنند؛ افزون بر این، لابی‌های قدرتمند حامی اسرائیل نیز بسیار فراتر از این گام برداشتنه و متمایل به فروپاشی ایران‌اند. از لژوما یک بازدارندگی موقت. در سوی دیگر، ترامپ خود را معامله‌گری نشان می‌دهد که میراث سیاسی و برند شخصی‌اش را بر بسیاری دیگر از امور، ارجح می‌داند. تداوم جنگی فرسایشی که بنزیر را گران و بازارها را متزلزل کند و پایگاه رای ضدجنگ او را ناامید سازد، اگر حتی برای خود او یک «کابوس انتخاباتی» نباشد، قطعاً برای هم‌حزبی‌هایش در حزب جمهوری‌خواه خواهد بود. وضعیت کنونی او در میان «نمایش اقتدار» و «فرار از باتلاق» همچنان در نوسان است. در نتیجه، با ترامپ نه از راه استدلال حقوقی یا عدالت تاریخی، بلکه با محاسبه هزینه و فایده هم می‌توان سخن گفت: در صورت پیروزی قاطع مکررات‌ها در انتخابات پیش‌رو، ادامه جنگ برای آینده خود او نیز بسیار گران است و توقفش را می‌توان «معامله طلایی» روایت کرد.

نقشه خروج

جنگ‌ها وقتی تمام می‌شوند که طرفین در یابند پیروزی قاطع، ناممکن و درد‌هزینه «ادامه» بیش از درد «صلاحه» است. برای رسیدن به این نقطه، چهار اصل ضروری است.

۱. بل خروج آبرومند. اگر توقف آتش برای ترامپ نشانه تسلیم باشد، او تنش را تشدید خواهد کرد. فرمول توافق باید به هر دو طرف اجازه دهد در خانه احساس پیروزی کنند؛ واشینگتن از «مهار و شکست دشمن و مخابه قدرت بازدارندگی» بگوید و تهران از «ایستادگی و اقتدار ملی و شکست محاسبات رقیب». این روایت‌سازی دوسویه بقای سیاسی طرفین را تضمین می‌کند؛ بی‌آنکه نیازی به پیمان تسلیم تحقیرآمیز باشد. با وجود تشدید تنش‌ها در روزهای اخیر و احتمال وقوع جنگی دیگر، همین مقطع حساس می‌تواند فرصت قابل‌تأملی باشد تا «پایان جنگ» پیش از انتخابات، به‌عنوان یک پیروزی به ترامپ عرضه شود. چنین امتیازی در عرصه نمایش سیاسی به احتمال بسیار زیاد او را از شکست انتخاباتی نجات نخواهد داد؛ با توجه به عملکرد ضعیف دولت ترامپ در داخل و نارضایتی فراگیر عمومی، حتی دستاوردی بزرگ مانند پایان جنگ نیز برای تغییر روند

مسیر خروج از جنگ بی‌پایان

انتخابات و ترمیم جایگاه او در افکار عمومی کافی نیست. اما همین انگیزه می‌تواند او را به پذیرش توافق و پایان دادن به درگیری نزدیک کند. اگرچه این فقط یک احتمال از میان هزاران است و قطعاً جوانب آن نیازمند بررسی، اما دیپلماسی می‌تواند از این انگیزه بهره‌گیرد و توافقی متوازن را چنان صورت‌بندی کند که ترامپ بتواند آن را موفقیت جلوه دهد. درحالی که ایران نیز از منافع ملموس و تعهدات متقابل برخوردار شود.

۲. گام‌های کوچک، همزمان و بازگشت‌پذیر. امضای معاهده جامع، در میانه آتش، ناممکن و محکوم به شکست است. به‌جای آن باید «یک گام در برابر یک گام» پیش رفت: اقداماتی چون تعلیق متناظر برخی عملیات، توقف پروازهای شناسایی با کاهش سطح آماده‌باش، بی‌آنکه کسی اهرم اصلی‌اش را کنار گذاشته یا واگذار کند. کلید مدل، «بازگشت‌پذیری فوری» است: اگر یکی از طرفین نقض کند، باید وضعیت طرف چند ساعت به حالت پیشین بازگردد. چنین ساختاری ترس از خلف وعده و آسیب را کم می‌کند. گام‌های مالی و دریایی، مانند آزادی عبور در تنگه هرمز در برابر تعلیق مشخصی از فشار مالی، می‌تواند بخشی از همین بسته باشد.

۳. ضامن‌ان ثالث با منافع حیاتی. از آنجا که دو طرف به هم اعتماد ندارند، آتش‌بس به تضمین‌کننده خارجی قدرتمندی نیاز دارد که خودش نیز از سوی دو طرف به‌طور جدی درگیری منفعتی روشن داشته باشد. قدرت‌هایی چون چین، برخی کشورهای منطقه و شرکت‌های آمریکا که از بسته‌بودن هرمز زبان بیشتری می‌بینند، می‌توانند منافع خود در برقراری «ثبات» را به «فشار دیپلماتیک» تبدیل کنند. این ابتکار باید فعالانه از سوی دستگاه دیپلماسی ایران پیگیری شود. با اندکی درایت و کیاست، حتی نگرانی‌های امنیتی‌دی نفعان دیگر از جمله اسرائیل (به‌عنوان محرک اصلی جنگ و برهم‌زننده هر نوع توافق) نیز می‌تواند به شکل‌های گوناگون و همزمان با دیکته کردن منافع اساسی ایران به سایرین و تقویت و تثبیت بازدارندگی کشور، در ترتیبات قابل بررسی مطرح شوند؛ بی‌آنکه اختیار پایان جنگ به رضایت نامحدود یک بازیگر ثالث وابسته شود. در واقع، هرچه توافق برای بازیگران بیشتری منفعت ملموس ایجاد کند، به‌رم‌زدن آن دشوارتر خواهد شد.

۴. تفکیک میدان جنگ از پرونده‌های کلان. گره‌زدن آتش‌بس به آینده خاورمیانه، برچسبدن ائتلاف‌ها یا لغو یک‌جای تحریم‌ها هر توافقی را زمین‌گیر می‌کند. حل کردن مسائل این حوزه زمان خواهد برد. گام نخست، تعیین خطوط قرمز درگیری و برقراری کانال‌های تماس فوری میان هیات‌های ویژه و هماهنگ دیپلماتیک/نظامی است تا از حادثه و محاسبه نادرست ایجاد فوارس و دریای سرخ جلوگیری شود. صحبت در مورد اختلافات اساسی و کلان، باید به‌فرصتی دیگر و در آرامش پس‌انجنگ حواله داده شود.

پایان واقعی جنگ زمانی ممکن خواهد شد که ادامه آن برای تصمیم‌گیران، کم‌جاذبه‌تر و توافقی برای‌شان قابل دفاع‌تر شود و شاید مهم‌تر از همه اینکه بتوان توافق را در داخل کشور توضیح داد و از آن دفاع کرد. این دو شرط، همزمان با هم باید محقق شوند. اگر هدف یکی از طرفین واقعاً نابودی و شکست دیگری باشد، هیچ فرمول آبرومندانه‌ای کارساز نخواهد بود و پیش از هر چیز باید خود آن هدف تغییر کند. اما اگر هر دو طرف هنوز توافقی را تحمل‌پذیر می‌دانند، وظیفه دیپلماسی «یافتن و مهم‌تر از آن، ساختن» مسیری است که در آن هر دو طرف بتوانند از وعده‌ها و تهدیدها، که اکنون مانع سازش شده، عقب‌بنشینند و در عوض به تعهدات محدود و قابل اجرا، آن‌هم گام‌به‌گام و بازگشت‌پذیر، متعهد شوند.



شرکت آلومینیوم آلومینوم جنوب
SOUTH ALUMINUM CORPORATION

Extended

INVITATION TO BID

South Aluminum Corporation (SALCO) intends to purchase 30,000 MT (up to 40,000 MT) Prebaked Anode Blocks

Hereby SALCO invites all interested participants to bid, after going through the details on the below mentioned address:

<https://en.salcocomplex.com/tender/procurement-of-prebaked-anode-blocks-2/>

If you have any questions or require further details please send us an email to the following address:

Mirzanezhad@salcocomplex.com



دنیای اقتصاد

دنیای اقتصاد را در یوتیوب دنبال کنید

SUBSCRIBE



وزارت امور اقتصادی و دارایی
وزارت امور اقتصادی و دارایی

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۴/م/۲/۱۴۰۵/۱۴۰۵/۸۰۱

شرکت مخابرات ایران – منطقه تهران

اداره کل مخابرات منطقه ۴ تهران

موضوع:

توسعه شبکه فیبر نوری (ترنکی) در محدوده مراکز شهرداری چنگر و شهید سعادتمند

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت شرکت مخابرات ایران منطقه تهران به نشانی **te.tci.ir** مراجعه فرمایید.

روابط عمومی شرکت مخابرات ایران – منطقه تهران



IMDC

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)

«خرید دو دستگاه دیزل ژنراتور با توان اضطراری ۱۶۶۰ کاوا در بازار بزرگ ایران»

محل اجرای کار: شهر تهران، بازار بزرگ ایران (ایران مال)

مهلت دریافت اسناد: روز چهارشنبه ۱۳۹۷/۷/۱۴ تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۴

مهلت تسلیم پیشنهاد: تا ساعت ۱۶:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۴

مدت تحویل کالا: ۲۰ روز

شرح مختصری از پروژه: خرید دو دستگاه دیزل ژنراتور با توان اضطراری ۱۶۶۰ کاوا جهت روشن نگه‌داشتن مراکز شهرداری تهران

قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: واریز مبلغ ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال - به حساب شماره ۱۱۹۹۲۸۳۸۹۰۶۶ و یا شماره شبا ۱۱۹۹۲۸۳۸۹۰۶۶ و یا شماره شبا ۱۱۹۹۲۸۳۸۹۰۶۶ و یا شماره شبا ۱۱۹۹۲۸۳۸۹۰۶۶

ملی شعبه خالد اسلامبولی قابل واریز در کلیه شعب به نام توسعه بین الملل ایران مال.

لازم به ذکر است هزینه انتشار آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد: معرفی‌نامه کتبی و فیش واریز وجه جهت خرید اسناد

میزان سپرده شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بیست و پنج میلیارد ریال) به‌صورت فیش واریزی به حساب شماره ۱۱۹۹۲۸۳۸۹۰۶۶ یا شماره شبا ۱۱۹۹۲۸۳۸۹۰۶۶ نزد بانک ملی شعبه خالد اسلامبولی به نام شرکت توسعه بین الملل ایران مال یا ضمانت‌نامه بانکی در وجه شرکت با اعتبار سه ماه و قابل تمدید و یا ارائه چک صیادی یا سفته به مبلغ ۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (پنجاه میلیارد ریال)، مشخصات شرکت توسعه بین الملل ایران مال (سهامی عام) جهت صدور ضمانت‌نامه عبارت است از: شناسه ملی: ۲۳۵۶۴۷۵-۱۰۱ - کد اقتصادی: ۱۴۹۱۶۱۹۳۶-۴۱ - کد پستی: ۱۴۹۹۹۶۱۴

محل دریافت اسناد: تهران، انتهای اتوبان شهید خرازی، پروژه بازار بزرگ ایران، کیان پتل، دبیرخانه - تلفن: ۴۶۰۲۵۰۴

محل تسلیم پاکات مناقصه: تهران، انتهای اتوبان شهید خرازی، بازار بزرگ ایران، کیان پتل، دبیرخانه - تلفن: ۴۶۰۲۵۰۴

شرکت توسعه بین الملل ایران مال (سهامی عام)